

واژه‌های معادل اضطراب در متون طب سنتی ایران

ملیحه متوسلیان^۱

فرزانه غفاری^۲

ماندانا توکلی کاخکی^{۳*}

چکیده

مقدمه: اضطراب از شایع‌ترین اختلالات روانی در جامعه محسوب می‌شود. در متون طب سنتی ایران مفهوم اضطراب از واژه‌های مختلفی برداشت می‌شود. تبیین دقیق مفاهیم این لغات برای تشخیص و درمان صحیح‌تر این اختلالات ضروری است.

روش: در این مطالعه مروری کیفی، شش واژه مرتبط با اضطراب یعنی «جبن»، «خوف»، «فزع»، «قلق»، «وسواس» و «هم» با استفاده از متون و لغت‌نامه‌های طب سنتی ایران، فرهنگ‌های لغت معتبر مرجع و کاربردی دوره تمدن اسلامی و کتاب‌های متأخرین مورد تجزیه و تحلیل محتوایی قرار گرفته‌اند.

یافته‌ها: در این بخش مفاهیم و تعاریف هر واژه کلیدی با رعایت توالی زمانی کتب و منابع مورد استفاده، در قالب جداول مجزا تنظیم شد.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج حاصله بیانگر آن است که «هم»، فکر و تلاش برای برطرف کردن مسأله‌ای ناخوشایند و به دست آوردن چیزی خوشایند است. «خوف» ترس از مسأله ناخوشایندی است که محتمل است در آینده رخ دهد. «فزع» مرحله شدیدتری از ترس است که فرد قادر به دفع عامل خطر نیست و بی‌تاب و بی‌قرار می‌شود. «قلق»

۱- استادیار دانشکده طب سنتی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

۲- دانشیار دانشکده طب سنتی و مدیرگروه تاریخ پزشکی مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳- استادیار دانشکده طب سنتی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

* (نویسنده مسؤول)

نشانی الکترونیکی: mk_tavakkoli@yahoo.com

نوع مقاله: مروری تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۵/۱۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱/۲۲

مرحله شدیدتری از فزع است که فرد شدیداً بی‌قرار است. «جین» حالتی است ذاتی که فرد از چیزهایی که سایرین از آنها نمی‌ترسند، می‌ترسد و نهایتاً آنچه که از عمل شرّ در نفس واقع می‌شود، وسواس نامیده شده است. ضمناً تعاریف لغوی واژه‌های معادل اضطراب غالباً در بردارنده توصیف حالت روانی مرتبط با هر یک از واژگان کلیدی هستند، اما تعاریف طبی آنها غالباً مبین اثرات فیزیولوژیک این حالت‌ها بر بدن می‌باشند.

واژگان کلیدی:

اضطراب، هم، خوف، مترادف، طب سنتی ایران

Archive of SID

مقدمه

شیوع روزافزون اختلالات اضطرابی امروزه یکی از عمده‌ترین مسائل جوامع محسوب می‌گردد (۱). در سال ۲۰۱۳ شیوع اختلالات اضطرابی بین ۰/۹ درصد و ۲۸/۳ درصد گزارش شده است (۲)، البته در بسیاری از موارد اختلالات خلقی و اضطرابی به صورت هم‌زمان در فرد وجود دارند (۳). از سویی دیگر مطالعات انجام‌شده پیرامون علل، عوارض و راهکارهای نظری پیشگیری و درمان اختلالات خلقی و اضطرابی شایع مطرح‌شده در متون طب سنتی ایران، مشخص نمود که این متون حاوی نکات قابل توجهی در این زمینه می‌باشند (۷-۴). با این وجود تعدد واژه‌های مبین اضطراب در متون طب سنتی ایران (این موارد حداقل عبارتند از هم، خوف، فزع، قلق، جبن و وسواس) و پراکندگی مفاهیم مرتبط با آن‌ها در لابه‌لای این متون، نویسندگان مقاله را بر آن داشت تا به تبیین دقیق مفاهیم مرتبط با این واژه‌ها بپردازند. امید آنکه بدین ترتیب زمینه برای درک بهتر مفاهیم واژه‌های معادل اضطراب از دیدگاه این متون و در نتیجه شکل‌گیری برداشت‌هایی دقیق‌تر در رابطه با پیشگیری و درمان این دسته از اختلالات از دیدگاه این مکتب طبی به عنوان یک مکتب طبی مکمل فراهم گردد.

روش

در این مطالعه مروری منابع در دسترس مرتبط با موضوع تحقیق از قرن اول هجری قمری تا زمان حال مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بدین منظور ابتدا واژگان کلیدی مرتبط با اضطراب بر اساس شماری از امهات کتب طب سنتی ایران همچون «کامل الصناعة الطبية»، «القانون فی الطب» و «ذخیره خوارزمشاهی» انتخاب شدند. این موارد عبارت بودند از: هم، خوف، فزع، قلق، جبن و وسواس. همچنین

واژه‌هایی مانند ترس در زیرگروه مرتبط با فزع و گمان بد، ظن، اندیشه‌های بد و حدیث نفس در زیرگروه مرتبط با وسواس جای داده شدند. در مرحله بعد تعاریف هر یک از این واژگان کلیدی از کتاب‌های مرجع طب سنتی ایران، لغت‌نامه‌های طب سنتی ایران و فرهنگ‌های معتبر استخراج شد.

عناوین فرهنگ‌هایی که مورد بررسی قرار گرفتند عبارتند از: کتاب «العین» (۱۷۵-۱۰۰ ق.) (۸)، «تهذیب الألفاظ» (قرن سه) (۹)، «الفروق اللغویة» (۳۹۵ هجری) (۱۰)، «الذریعة إلى مکارم الشریعة» (قرن ۴) (۱۱)، «فقه اللغة و سیر العربیة» (۴۲۹-۳۵۰ ق.) (۱۲)، «لسان العرب» (۷۱۱-۶۳۰ ق.) (۱۳)، «مجمع البحرین» (۱۴)، «فروق اللغات فی التمییز بین مفاد الکلمات» (۱۱۵۸-۱۰۸۸ ق.) (۱۵)، «تاج العروس من جواهر القاموس» (۱۲۰۵-۱۱۴۵ ق.) (۱۶)، «الفروق فی اللغة» (۱۷)، «فرائد اللغة فی الفروق» (۱۹۹۹ م.) (۱۸).

عناوین منابع مورد استفاده در بخش طب سنتی ایران عبارتند از: «فردوس الحکمة» (۲۴۷-۱۹۲ ق.) (۱۹)، «مصالح الأبدان و الأنفس» (۳۲۲-۲۳۵ ق.) (۲۰)، «کامل الصناعة» (وفات مؤلف ۳۸۴ ق.) (۲۱)، «هدایة المتعلمین» (وفات مؤلف قرن ۴ ق.) (۲۲)، «المعالجات البقراتیة» (تولد مؤلف بعد ۳۳۶ ق.) (۲۳)، «کفایه ابن مندویه» (وفات مؤلف ۴۵۳ ق.) (۲۴)، «القانون فی الطب» (۴۲۸-۳۷۰ ق.) (۲۵)، «الأدویة القلیبیة» (۴۲۸-۳۷۰ ق.) (۲۶)، «کناش فی الطب» (وفات مؤلف قرن ۴ ق.) (۲۷)، «التصریف لمن عجز عن التالیف» (وفات مؤلف ۴۰۴ ق.) (۲۸)، «المأة فی الطب» (وفات ۴۵۲ ق.) (۲۹)، «کتاب الماء» (وفات ۴۶۶ ق.) (۳۰)، «ذخیره خوارزمشاهی» (۵۳۱-۴۳۴ ق.) (۳۱)، «الموجز» (۶۸۷-۶۰۷ ق.) (۳۲)، «شرح ایلاقی بر قانون» (۳۳)، «شرح آملی بر قانون» (۷۵۳ ق.) (۳۴)، «شرح الأسباب و العلامات» (۶۱۹ ق.) (۳۵)، «بحر الجواهر» (وفات ۹۳۸ ق.) (۳۶)، «عین الحیوة»

(وفات ۹۳۸ ق.) (۳۷)، «قاموس الأطباء و ناموس الألباء» (وفات مؤلف ۱۰۴۴ ق.) (۳۸)، «مفرح القلوب» (قرن ۱۲ ق.) (۳۹)، «داروهای قلبی» (۱۱۳۵ ق.) (۴۰)، «فصول الأعراض» (۱۲ و ۱۳ ق.) (۴۱).

یافته‌ها

در این بخش تطورات واژگان کلیدی مرتبط با اضطراب از قرن اول هجری تا زمان معاصر در منابع طب سنتی و فرهنگ‌های معتبر به صورت جداول مجزا طبقه‌بندی شده‌اند.

هم: توضیحات در جدول ۱ ارائه شده است. بدین منظور به این جدول مراجعه شود.

خوف: به جدول ۲ مراجعه نمایید.

فزع: در جدول ۳ توضیحات واژه خوف داده شده است. به این جدول مراجعه نمایید.

قلق: به جدول ۴ مراجعه نمایید.

جن: توضیحات این واژه در جدول ۵ آورده شده است. به این جدول مراجعه نمایید.

وسواس: به جدول ۶ مراجعه نمایید.

بحث

مباحث مربوط به اختلالات روانی در کتاب‌های قدما به علم‌النفس معروف است. روانشناسی جدید به دلیل گسست فرهنگی به وجود آمده در رتسانس و اختلاف در اصول و مبانی نمی‌تواند ادامه‌دهنده علم‌النفس باشد (۴۲). در این مطالعه سعی شده تا برای تفکیک عبارتهای مبین اضطراب، با استفاده از منابع طب سنتی ایران و فرهنگ‌های لغت تعاریف جامعی ارائه شود که در زیر مورد بحث قرار می‌گیرند.

هم: فکر برای برطرف کردن مسأله‌ای ناخوشایند و به دست آوردن چیزی خوشایند است. فرد احساس می‌کند ولو با رنج می‌تواند به خواسته‌اش برسد و برای رسیدن به آن تلاش می‌کند (مثل مقابله با فقر). خواب از چشم می‌رود و همه فکرش متوجه رسیدن به خواسته‌اش است. در حقیقت خواسته دل است که به دنبال آن فرد قدرت تحمل بالایی در سختی پیدا می‌کند. «الفروق اللغویة» نقش اندیشه را در هم برجسته کرده و تأکید می‌کند در آن اثری از غم وجود ندارد که این نکته از وجوه افتراق هم با غم یا افسردگی است (۱۰). به نظر مؤلفین کامل الصناعة و ذخیره، خوف و رجاء و به نظر ابن سینا، حزن و غضب عوامل حرکت روح به داخل و خارج در هم هستند (۲۱، ۳۱). اکثر مؤلفین منابع طبّی مانند زهراوی و جرجانی نقش روح حیوانی و قلب را در هم مؤثر می‌دانند (۲۸، ۳۱). کشکری حدوث هم را در دماغ بیان کرده که منجر به گرم شدن روح نفسانی می‌شود (۲۷). حکیم جرجانی با استفاده از کلمات اندیشیدن و امید و ناامیدی در تعریف هم، مفهوم اضطراب امروزی را با مفاهیم «طلب کاری که حاضر نیست» و «جوشیدن دل» بیان کرده است (۳۱). برخی منابع هم را معادل هر دو کلمه حزن و جهاد فکری می‌دانند (۳۰، ۳۸) و برخی آن را ردیلت نفسانی متعلق به قوه عقلیه و مسبب قلق و حزن می‌شناسند؛ در این صورت می‌توان همراهی هم با حزن را معادل همراهی اختلالات خلقی و اضطرابی در روان‌پزشکی جدید در نظر گرفت (۱۴).

خوف: ترس از مسأله ناخوشایندی است که محتمل است در آینده رخ بدهد. این لغت در قرن دوم در کتاب «العین» موجود بوده و به معنای ترس است (۸). «مصالح الأبدان»، خوف را مقدمه فزع می‌داند و سه نوع خوف را ذکر می‌نماید. ۱- نوع طبعی و ذاتی که راهی برای تدبیر آن وجود ندارد و در کسانی که طبعی رقیق دارند حادث می‌شود آن‌ها کسانی هستند که می‌ترسند هنگامی که چیزی به

صورت ناگهانی بر ایشان وارد می‌شود (مشابه اضطراب شدید در افرادی که از استرسورهای عادی سریعاً متأثر می‌شوند و مثلاً لرزش دست یا طپش قلب پیدا می‌کنند. این افراد دائماً منتظر خبر بد هستند.) این نوع معادل جبن است؛ ۲- ترسی که با تربیت اصلاح می‌شود: مانند خوفی که انسان در آینده نزدیک انتظار وقوع آن را دارد (مثل ترس از امتحان) و خوفی که پس از مدت زمانی فرض شده منتظر وقوع آن است (مانند فکر کردن انسان درباره پیری و فنا که در این حالت فرد به تدریج افسرده می‌شود)؛ ۳- شدیدترین خوف، خوف بر نفس است از جهت نابودی یا درد و خوفی که از دیدن منظره قتل و جرح عارض گردد و نیز خوفی که از خبری ناخوشایند در آینده نزدیک حادث شود (مشابه اضطراب شدید هنگام وقوع زلزله) این اضطراب معادل فزع است (۲۰). ابن سینا خوف را انفعال قوه حیوانیه می‌داند (۲۵) در حالی که صاحب کتاب المء آن را انفعال نفسانی می‌شمرد (۳۰). در چند مورد نیز خوف و فزع در متون طبّی معادل یکدیگر در نظر گرفته شده‌اند (۱۳، ۳۴). حکیم هروی خوف و همّ را معادل همّ می‌داند (۳۷).

فزع: مرحله شدیدتری از ترس است. قلب بی‌تاب و بی‌قرار می‌شود، مثلاً هنگام وقوع حادثه‌ای ناخوشایند در زمان کوتاه که این اضطراب سبب فرار از شیء ترسناک می‌شود، البته گاهی هم حالت تخیلی دارد، ولی در هر دو صورت فرد قادر به دفع عامل خطر نمی‌باشد. ابوزید بلخی می‌گوید: فزع می‌تواند منجر به قلق شود (۲۰). معانی خوف (۳۴)، جبن (۱۳) و جزع (۱۵) نیز برای آن ذکر شده است. «الماء فی الطب» به نکته جالبی اشاره کرده است: فزع بدون سبب، به دنبال بیماری‌های ناشی از عوارض نفسانی است. این مورد امروزه با اضطراب نوع اندوژن قابل تطبیق می‌باشد (۲۹).

قلق: عدم ثبات در رفتار و اعمال است که فرد به اصطلاح روی پا بند نمی‌شود و شدیداً بی‌قرار است. مرحله شدیدتری از فزع و خوف می‌باشد (۲۰) و از آثار هم و جزع محسوب می‌شود (۱۴، ۲۰). «کامل الصناعة» با تعبیری زیبا قلق را «اضطراب فی الفكر و الذهن» معرفی می‌کند (۲۱). همراهی جزع با قلق را می‌توان مشابه همراهی اختلالات افسردگی و اضطرابی در طب معاصر در نظر گرفت (۲۰).

جنب: حالتی است ذاتی که فرد از چیزهایی می‌ترسد که سایرین از آن‌ها نمی‌ترسند (۲۱). ضد شجاعت و از خصوصیات افراد ضعیف القلب است (۹، ۱۳، ۲۶، ۳۶).

وسواس: اگرچه وسواس در متون طب سنتی عموماً با سایکوزها مرتبط است، اما به دلیل این‌که می‌تواند انواع سایکوتیک اختلالات خلقی و اضطرابی را نیز شامل شود، ضروری است جهت بررسی اختلالات اضطرابی مطرح شده در این متون به آن نیز پرداخته شود. در تعاریف وسوسه به معنای حدیث نفس (۸، ۱۳، ۳۰) و وسواس معادل فزع آمده است (۸). همچنین توهم غیر حقیقی و شک زیاد را به وسواس نسبت می‌دهند (۳۰).

در این مطالعه برای یافتن معانی دقیق و وجوه افتراقی واژه‌ها از متون طب سنتی ایران و فرهنگ‌های لغت دوره تمدن اسلامی (قرون ابتدایی تا کتاب‌های متأخرین) استفاده شد که بنا بر اهمیت موضوع، استفاده از اصل این تعاریف بدون دخل و تصرف در آن‌ها توصیه می‌شود. لازم به ذکر است در بررسی انجام‌شده جامع‌ترین تعاریف واژه‌های معادل اضطراب از فرهنگ‌های لغت استخراج شده‌اند، اما تعاریف موجود در کتب طبیبی بیشتر ناظر بر علائم و عوارض این حالات می‌باشند. در این‌باره دلایل زیر را می‌توان در نظر گرفت: اول این‌که هر علمی مفتقر است به علوم پیش‌نیاز خود؛ در نتیجه حکمای طب سنتی فرض کرده‌اند که فراگیران علم طب از قبل مقدمات این پیشه را کسب نموده‌اند، مانند آشنایی کامل با زبان طب

و آشنایی با واژه‌های موجود در فرهنگ‌های اصیل زبان عرب و...؛ دوم این که احتمالاً این لغات دارای کاربرد وسیعی در آن زمان بوده‌اند و تعاریفشان واضح بوده است. از این رو در کتب طبّی کم‌تر به تعاریف لغوی آن‌ها پرداخته شده است. نهایتاً باید چنین گفت که تعاریف لغات معادل اضطراب در متون طب سنتی ایرانی با انواع اختلالات اضطرابی مطرح‌شده در متون طب معاصر متناظر نیستند، ولی نتایج مطالعه حاضر برای برداشت دقیق‌تر از این متون در جهت تشخیص و درمان اضطراب از دیدگاه این مکتب طبّی مکمل مفید خواهد بود.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصله بیانگر آن است که «هم»، فکر و تلاش برای برطرف کردن مسأله‌ای ناخوشایند و به دست‌آوردن چیزی خوشایند است. «خوف» ترس از مسأله ناخوشایندی است که محتمل است در آینده رخ دهد. «فزع» مرحله شدیدتری از ترس است که فرد قادر به دفع عامل خطر نیست و بی‌تاب و بی‌قرار می‌شود. «قلق» مرحله شدیدتری از فزع است که فرد شدیداً بی‌قرار است. «جبن» حالتی است ذاتی که فرد از چیزهایی که سایرین از آن‌ها نمی‌ترسند، می‌ترسد و نهایتاً آنچه که از عمل شرّ در نفس واقع می‌شود، وسواس نامیده شده است. ضمناً تعاریف لغوی واژه‌های معادل اضطراب غالباً در بردارنده توصیف حالت روانی مرتبط با هر یک از واژگان کلیدی هستند، اما تعاریف طبّی آن‌ها غالباً مبین اثرات فیزیولوژیک این حالت‌ها بر بدن می‌باشند.

سپاسگزاری

نویسندگان مقاله از جناب استاد دکتر محمدمهدی اصفهانی و جناب استاد دکتر سیدمحمود طباطبایی به دلیل راهنمایی‌های ارزشمندشان در این تحقیق تشکر و قدردانی می‌نمایند.

Archive of SID

جدول ۱: مفاهیم مرتبط با «هم»

هم	
هم آندیشیدن در جهت برطرف کردن مکروه و جلب چیزی است که مورد علاقه آدمی است و در آن اثری از غم وجود ندارد (ص ۲۲۱).	الفروق اللغویة (۳۹۵ ق.)
هم عبارت است از: حرکت روح به داخل و خارج (ص ۱۲۹۹). روح هنگام یأس به سمت داخل و هنگام امیدواری به سوی خارج حرکت می کند (ص ۹۰ الف).	کامل الصناعه (حوالی ۴۰۰ ق.)
هم، حزن ناشی از وقوع شر احتمالی و یا از بین رفتن خیر احتمالی در آینده است که سبب قبض و بسط حرارت در فرد می گردد.	الماء فی الطب (وفات ۴۵۲ ق.)
هم مخصوص قوه حیوانی موجود در قلب است.	التصریف لمن عجز عن التألیف
یکی از دو عامل حرکت روح در هم حزن است. روح هنگام یأس به سمت داخل و هنگام امیدواری به سوی خارج حرکت می کند. در این صورت لزوماً دو عارض غضب و حزن بر نفس وارد شده و باعث حرکت در دو جهت می شوند (ج ۱، ص ۱۴۵).	قانون (۳۷۰-۴۲۸ ق.)
حدوث هم در دماغ است که گرم شدن روح نفسانی متعاقب فکر زیاد رخ می دهد (ص ۲۸۹).	کناش فی الطب کشکری (قرن ۴)
هم طلب کاری است که حاضر نیست. هم حالتی است نفس را که هرگاه که مردم خواهد که کاری تمام گردد و همه همّت خویش بدان آرد، چنانکه از خواهانی و جویانی او مر آن کار را حرارت غریزی او برمی افروزد و دل او برمی جوشد و روح بدان سبب گرم شود (ص ۲۴۰).	ذخیره (۴۳۴-۵۳۱ ق.)
از ادراک حدوث امری که در آن هم خیر متصور و هم شری متوقع باشد پس حالتی مرکب از خوف و رجا عارض نفس گردد. غلبه هر کدام در فکر سبب می شود نفس نیز به همان جهت حرکت کند؛ در صورت غلبه اولی نفس به خارج و با غلبه دومی نفس به داخل حرکت می کند.	کتاب الماء (۴۶۶ ق.)

ملیحه متوسلیان، فرزانه غفاری، ماندانا توکلی کاخکی

<p>همّ همان جهاد فکری است. همّ حرکت نفسانی است که سبب حرکت روح و حرارت غریزی به داخل و خارج می‌شود (ص ۱۲۹۹). در همّ فکر ترس از رخدادهای آینده سبب بی‌خوابی می‌شود (ص ۹۶۶).</p>	
<p>از ادراک حدود امری که در آن همّ خیر متصور و همّ شری متوقع باشد، پس حالتی مرکب از خوف و رجاء عارض نفس گردد. به تبع تکرار همّ دو امر پدید می‌آید: یکی ضعف قوه طبیعی و تکاثف روح به دلیل سردی ناشی از انطفاء و نقصان حرارت غریزی و اختناق آن به دنبال انقباض روح ناشی از همّ؛ دیگری سودا همراه آن از نوع بارد یابس غلیظ القوام بوده که نمی‌تواند نقش پذیرفته‌شده بر خود را سریعاً ترک کند (ج ۱، ص ۱۱۵).</p>	<p>شرح الاسباب و العلامات (۶۱۹ ق.)</p>
<p>امر همّ آور باعث قلق و حزن می‌شود. همّ ردیلت نفسانی متعلق به قوه عقلیه است و به معنای آن چیزی است که نفس به آن اهتمام دارد. مهمّ به معنی امر شدید و سخت بوده. همّ اندوهی است که پیش از نزول چیز ناخوشایند آدمی را فرا می‌گیرد. خواب را می‌برد (ج ۶، صص ۱۸۹-۱۸۸).</p>	<p>مجمع البحرين (۱۰۸۵-۹۷۹ ق.)</p>
<p>از ادراک حدود امری که در آن همّ خیر متصور و همّ شری متوقع باشد، پس حالتی مرکب از خوف و رجاء عارض نفس گردد. غلبه هر کدام در فکر سبب می‌شود نفس نیز به همان جهت حرکت کند؛ در صورت غلبه اولی نفس به خارج و با غلبه دومی نفس به داخل حرکت می‌کند. همّ مطابق کتاب‌های لغت معادل حزن است. حرکت روح در همّ به داخل و خارج است و همّ مرکب از خوف و رجاء است که بسته به غلبه فکر برای امر خوب یا بد تصور شده به همان جهت می‌رود. همّ حرکت نفسانی است که سبب حرکت روح و حرارت غریزی به داخل و خارج می‌شود. (ج ۲، صص ۱۳۳-۱۳۲)</p>	<p>قاموس الاطباء و ناموس الالباء (۱۰۴۴ ق.)</p>
<p>همّ اندوهی است که پیش از نزول چیز ناخوشایند آدمی را فرا می‌گیرد.</p>	<p>فروق اللغات فی التمییز بین مفاد</p>

<p>هم آندوهی است که آدمی توانایی برطرف کردن و از میان بردن آن را دارد، همچون افلاس و تهیدستی (ص ۱۸۳).</p>	<p>الكلمات (۱۱۵۸-۱۰۸۸ ق.)</p>
<p>از ادراک حدوث امری که در آن هم خیر متصور و هم شری متوقع باشد، پس حالتی مرکب از خوف و رجا عارض نفس گردد. / غلبه هر کدام در فکرسبب می شود نفس نیز به همان جهت حرکت کند؛ در صورت غلبه اولی نفس به خارج و با غلبه دومی نفس به داخل حرکت می کند. / هم همان جهاد فکری است. / هم حرکت نفسانی است که سبب حرکت روح و حرارت غریزی به داخل و خارج می شود. / از هم، غضب و حزن بر نفس عارض می شوند (ص ۱۷۵).</p>	<p>مفرح القلوب (قرن ۱۲)</p>
<p>هم کیفیتی است که عارض نفس می گردد از ادراک حدوث امری که در آن هم خیر متصور و هم شری متوقع باشد، پس حالتی مرکب از خوف و رجا عارض نفس گردد. / اسباب خاصه معده هم یکی ضعف قوت است و دویم رقت روح که دو حرکت مختلف روح را به ظاهر و باطن اعضا که لازم عروض هم است، قابل باشد (ص ۲۹۷).</p>	<p>داروهای قلبی (۱۱۳۵ ق.)</p>
<p>هم آندوهی است که پیش از نزول چیز ناخوشایند آدمی را فرا می گیرد. / هم آندوهی است که آدمی توانایی برطرف کردن و از میان بردن آن را دارد، همچون افلاس و تهیدستی (ص ۱۳۶).</p>	<p>الفروق فی اللغة (۱۳۶۳ ش.)</p>
<p>هم آندوهی است که پیش از نزول چیز ناخوشایند آدمی را فرا می گیرد. / هم آندوهی است که آدمی توانایی برطرف کردن و از میان بردن آن را دارد، همچون افلاس و تهیدستی. / خواب را می برد (ص ۲۳۵).</p>	<p>فرائد اللغة فی الفروق (۱۹۹۹ م.)</p>

جدول ۲: مفاهیم مرتبط با «خوف»

<p>خوف یعنی رعب و خشية و خائف یعنی فرع (ج ۲، ص ۱۳۰؛ ج ۴، صص ۲۸۴ و ۳۱۲).</p>	<p>کتاب العین (۱۷۵-۱۰۰ ق.)</p>
<p>سردی و خشکی مزاج از عوارض خوف هستند. سبزی و سفیدی صورت، سردی بدن و صغر نبض از علائم خوف هستند.</p>	<p>فردوس الحکمه (۲۴۷-۱۹۲ ق.)</p>
<p>خوف مقدمه فرع است. / خوف ناشی از تخیلات بد و دیدن اشیای هولناک، یا شنیدن صدای شدید غیر قابل تحمل و یا رسیدن خبر بد می‌باشد. / اسباب فرع و خوف عبارتند از: تفکر در چیزی که انسان از آن بترسد و دیگر چیزی که انسان ببیند یا بشنود، اما در حد تحمل او نباشد و از شدت آن بیمناک گردد (ص ۲۵۱). بین خوف از آنچه که انسان در آینده نزدیک انتظار وقوع آن را دارد و خوف از آنچه که پس از مدت زمانی فرض شده منتظر وقوع آن است، تفاوت وجود دارد. در حالت دوم خوف مؤدی به غم می‌گردد، مانند فکر کردن انسان درباره پیری و فنا که سبب بی‌تابی و تشدید خوف فرد می‌گردد. شدیدترین خوف، خوف بر نفس است از جهت نابودی یا درد و خوفی که از دیدن منظره قتل و جرح عارض گردد و نیز خوفی که از خبری ناخوشایند در آینده نزدیک حادث شود. / خوف یا از نوع طبعی و ذاتی است که راهی برای تدبیر آن وجود ندارد که این نوع در کسانی که طبعی رقیق دارند حادث می‌شود؛ آن‌ها کسانی هستند که هنگامی که چیزی به صورت ناگهانی بر ایشان وارد می‌شود، می‌ترسند. نوع دوم خوفی است که می‌توان با ریاضت نفس آن را دفع نمود (ص ۲۵۹).</p>	<p>مصالح الابدان و الأنفس (۳۲۲-۲۳۵ ق.)</p>
<p>خوف توقع ضرر است برای آنچه که وقوعش مورد شک باشد و آنجا که وقوع ضرر مورد اطمینان و یقین است خوف معنا ندارد. در حذر ویژگی پیشگیری از ضرر وجود دارد، ولی خوف چنین نیست. / مفهوم خوف به مکروه و ترک مکروه تعلق دارد (ص ۱۹۹). خوف همراه است با شک به وقوع ضرر (ص ۲۰۰).</p>	<p>الفروق اللغویة (۳۹۵ ق.)</p>

<p>تفاوت بین خوف و هول آنست که هول ترس از چیزی است که نمی‌داند آنچه را که به آن نزدیک می‌شود، مانند ترس از شب و ترس از دریا (ص ۲۰۱).</p> <p>تفاوت بین خوف و وَجَل آنست که خوف برخلاف طمأنینه است، اما وِجَل چنین ترجمه می‌شود: بی‌تاب شد و آرامش نیافت، پس در عبارت وِجَل مفهومی از خوف وجود ندارد. خاف متعدی و وِجَل غیر متعدی است و صیغه این دو نیز متفاوت است که این خود دلیلی است بر تفاوت بین این دو عبارت در معنی.</p> <p>تفاوت بین خوف و بَأْس و بؤس آنست که بَأْس در مورد تجهیزاتی مانند ابزار جنگی و غیر آن به کار می‌رود. بَأْس همچنین به صورت مجازی به جای خوف به کار برده می‌شود (ص ۲۰۲).</p>	
<p>چنانچه خوف به جهت امری ضرر رساننده پدید آید، فَرَق و دُعر نامیده می‌شود. خوف دوست‌داشتنی اِشفاق نام دارد. خشیت بزرگ داشتن همراه با معرفت را گویند. وِجَل ترسیدن از مفهومی است ذهنی نه ظاهری که آرام و قرار را می‌برد. رهبة ترس توأم با احتراز کردن و دوری جستن و اضطراب را گویند. هبیه حالت خضوع را به جهت درک مفهوم تعظیم برمی‌انگیزاند. مقصود از خوف خداوند بلند مرتبه مفهومی همچون ترس از شیر نیست، بلکه آنچه مورد نظر است چیزی است که مقتضی و شایسته خوف باشد و آن دست بازداشتن از گناهان است (ص ۱۷۰).</p>	<p>الذریعة إلى مكارم الشریعة (قرن ۴)</p>
<p>سردی آن بیشتر از حزن است.</p>	<p>المأة فی الطب (وفات ۴۵۲ ق.)</p>
<p>خوف حالتی مرکب از رجا و یأس است که سبب انتشار حرارت از بدن و یا تجمع حرارت در عمق بدن می‌گردد.</p>	<p>کفایه ابن مندویه (قرن ۴)</p>
<p>خوف از جمله اسباب بادیه است که از امور خارج جوهر بدن محسوب می‌شود (ج ۱، ص ۱۲۶).</p> <p>خوف انفعال قوه حیوانیه است (ج ۱، ص ۱۱۳).</p>	<p>قانون (۴۲۸-۳۷۰ ق.)</p>
<p>خوف انقباض روح هنگام انفعال نفسانی است (ص ۴۳۳).</p>	<p>کتاب الماء (۴۶۶ ق.)</p>

الموجز (۶۸۷-۶۰۷ ق.)	خوف باعث غلبه یبس یا خلط سوداوی در بدن است.
لسان العرب (۶۳۰-۷۱۱ ق.)	خوف یعنی فزع (ج ۹، ص ۹۹).
عين الحياة (۹۳۸ ق.)	خوف مرادف با هم (ص ۱۰۴).
مجمع البحرين (۱۰۸۵-۹۷۹ ق.)	خوف بر امر مورد انتظار دلالت می‌کند، اما حزن بر امر به وقوع پیوسته تعلق دارد. خوف از چیزی به معنای پرهیز نمودن از آن است (ج ۵، ص ۵۷).
فروق اللغات فی التمییز بین مفاد الکلمات (۱۰۸۸-۱۱۵۸ ق.)	خوف توقع وعید و تهدید است و آن تازیانه خداوند است که کجی‌های نافرمانان درگاهش را اصلاح می‌کند و با آن به سوی صراطش سوق داده می‌شوند تا این‌که امر درماندگان مسیر رشد اصلاح گردد و از علائم آن کوتاهی آرزو و گریه‌های طولانی است (ص ۱۱۹).
فرائد اللغة فی الفروق (۱۹۹۹ م.)	خوف تألم نفس است از عقاب مورد انتظار به سبب ارتکاب منهیات و تقصیر در طاعات (ص ۸۴).

جدول ۳: مفاهیم مرتبط با «فزع»

<p>از قوی‌ترین اعراض./</p> <p>افراط یا شدت خوف./</p> <p>ناشی از تخیلات بد و دیدن اشیای هولناک، یا شنیدن صدای شدید غیر قابل تحمل و یا رسیدن خبر بد./</p> <p>فزع، خوف شدیدی است که می‌تواند منجر به قلق گردد./</p> <p>اسباب فزع و خوف عبارتند از: تفکر در چیزی که انسان از آن بترسد و دیگر چیزی که انسان ببیند یا بشنود، اما در حد تحمل او نباشد و از شدت آن بیمناک گردد./</p> <p>فرورفتن خون از ظاهر جلد به باطن بدن که در فزع به وقوع می‌پیوندد موجب زردی رنگ، ارتعاش اندام‌ها، معطل ماندن افعال و تحیر انسان می‌شود و چه بسا که بدین سبب بیماری جسمی شدیدی پدید آید (ص ۲۵۱).</p>	<p>مصالح الابدان و الأنفس (۳۲۲-۳۳۵ ق.)</p>
<p>فزع خوف ناگهانی هنگام هجوم و یورش یا صدای ریزش دیوار و مانند آن می‌باشد./</p> <p>فزع بی‌تاب شدن و بی‌قراری قلب است به هنگام توقع امر ناخوشایند شتابنده (ص ۲۰۱).</p>	<p>الفروق اللغویة (۳۹۵ ق.)</p>
<p>فزع از اعراض نفسانی است./</p> <p>حرکت ناگهانی روح به داخل./</p> <p>ورود ناگهانی حرارت غریزی به داخل./</p> <p>هنگام عروض فزع به سبب گریختن از شیء موذی و مستشنع، روح حیوانی و حرارت غریزی دفعتاً متوجه باطن می‌گردند (ص ۹۰ الف).</p> <p>از امور خارج از امر طبیعی محسوب می‌شود./</p> <p>به دلیل غوص ناگهانی فزع به عمق بدن، قوه گاهی از شیء مخوف می‌گریزد و گاهی هنگام امید به ظفر ظاهر می‌شود (ص ۱۱۴ الف).</p>	<p>کامل الصناعه (حوالی ۴۰۰ ق.)</p>
<p>فزع بدون سبب به دنبال بیماری‌های ناشی از عوارض نفسانی به وجود می‌آید.</p>	<p>المأة فی الطب (وفات ۴۵۲ ق.)</p>

المعالجات البقراطیه (تولد بعد ۳۳۶ ق.)	حرکت روح حیوانی.
قانون (۳۷۰-۴۲۸ ق.)	حرکت ناگهانی روح به داخل بدن (ج ۱، ص ۱۴۵).
ادویه قلبیه (۳۷۰-۴۲۸ ق.)	فزع یکی از أعراض نفسانی است که از ادراک وقوع امر موذی عارض نفس می‌گردد. امر موذی می‌تواند واقعی یا تخیلی باشد، اما در هر صورت مقدور الدفع نیست. در این حالت بر مبنای گریز و دوری از امر موذی حرکت روح قلبی به باطن بدن و معدن آن که قلب است خواهد بود (ص ۲۷۰).
الموجز (۶۰۷-۶۸۷ ق.)	حرکت ناگهانی روح به داخل هنگام فزع.
شرح آملی (۷۵۳ ق.)	فزع مرادف خوف است.
لسان العرب (۶۳۰-۷۱۱ ق.)	فزع به معنای خوف است و مفزع به معنای جبان است (ج ۸، ص ۲۵۱).
فروق اللغات فی التمییز بین مفاد الکلمات (۱۰۸۸-۱۱۵۸ ق.)	فزع درهم‌کشیدگی و گریز از شیء ترسناک می‌باشد و از جنس جزع است. همچنین گفته‌اند که فزع خوفی است شدید (ص ۱۲۴).
داروهای قلبی (۱۱۳۵ ق.)	اسباب خاصه معده فزع به اعتبار کمیت روح، آن است که روح کم باشد. چه قلت روح هم به اعتبار عدم وفا به ظاهر و باطن و هم به اعتبار استلزام آن ضعف قوت را، علت استعداد عروض فزع گردد و اسباب خاصه معده فزع به اعتبار کیفیت روح، برودت مزاج روح و ضعف قوت حیوانیه محرکه ارواح به اعضا و ضعف قوت طبیعی مولده جوهر روح است (ص ۲۹۶).
فرائد اللغة فی الفروق (۱۹۹۹ م.)	فزع درهم‌کشیدگی و گریز از شیء ترسناک می‌باشد و از جنس جزع است. همچنین گفته‌اند که فزع خوفی است شدید (ص ۸۴).

جدول ۴: مفاهیم مرتبط با «قلق»

کتاب العین (۱۷۵-۱۰۰ ق.)	کاهش ثبات در یک مکان (ج ۵، ص ۲۶).
مصالح الابدان و الأنفس (۳۲۲-۲۳۵ ق.)	به دنبال قوی شدن خوف. از آثار جزع است. شدت فزع است. علائم اضطراب مانند زردی رنگ و لرزش اندامها (ص ۲۵۱).
کامل الصناعه (حوالی ۴۰۰ ق.)	اضطراب فی الفكر و الذهن را بیان کرده است.
قانون (۴۲۸-۳۷۰ ق.)	قلق از أعراض حرکتی ارادی است (ج ۱، ص ۱۶۹).
لسان العرب (۶۳۰-۷۱۱ ق.)	انزعاج (بی تاب و بی قرار و ناآرام شدن)، در یک جا دوام نیاوردن و نیز اضطراب و عدم ثبات در رفتار و اعمال (ج ۱۰، ص ۳۲۳).
بحر الجواهر (وفات ۹۳۸ ق.)	قلق حالتی است که موجب سرعت انتقال انسان از هیأتی به هیأت دیگر می‌گردد (ص ۳۱۲).
مجمع البحرين (۱۰۸۵-۹۷۹ ق.)	امر هم‌آور باعث قلق می‌شود (ج ۶، صص ۱۸۹-۱۸۸). قلق انزعاج و اضطراب به خصوص ناشی از هم است (ج ۵، ص ۲۳۱).

جدول ۵: مفاهیم مرتبط با «جبن»

تهذیب الألفاظ (قرن ۳)	فردی که دل و جرأت نداشته باشد، اصطلاحاً بزدل، ترسو و جبان نامیده می‌شود. به عبارتی دیگر فرد بزدل و ترسو که ضعیف القلب باشد، جبان نامیده می‌شود (ص ۱۷۶).
کامل الصناعه (حوالی ۴۰۰ ق.)	ضد غلبه و نزاع. جبن از صفات قوی حیوانی منفعله است. در حالت جبن حرارت غریزی متوجه باطن می‌گردد (ص ۵۸ الف).
ادویه قلبیه (۳۷۰-۴۲۸ ق.)	ضعف قلب حالتی است نسبت به امر مخوف به اعتبار قلت احتمال امر مخوف، یعنی ضعیف القلب آن است که توانایی و صبر بر امر مخوف کم داشته باشد و امر مخوف او را زود متغیر سازد، بلکه امر

مخوف ضعیفی در او تأثیر نماید و امر مخوف مؤدی بدنی است. ضعف قلب مؤدی به هرب و گریختن از مؤدی می‌گردد (صص ۲۳۸-۲۳۷).	
جبان کسی است که از رویارویی با هر موردی چه شب و چه روز می‌ترسد (ص ۲۳۴).	کتاب الماء (۴۶۶ ق.)
ناشی از غلبه رطوبت یا بلغم است.	الموجز (۶۰۷-۶۸۷ ق.)
ضد شجاعت (ج ۱۳، ص ۸۴).	لسان العرب (۶۳۰-۷۱۱ ق.)
جبن به معنای بزدلی و حذر کردن از چیزی که حذر نمودن از آن شایسته نیست. ضد شجاعت (ص ۱۱۱).	بحر الجواهر (وفات ۹۳۸ ق.)
رذائل نفسانی به سه دسته عقلیه و غضبیه و شهویه تقسیم می‌شوند. هم و حزن متعلق به عقلیه، جبن به غضبیه و بخل به شهویه تعلق دارند (ج ۶، صص ۱۸۹-۱۸۸).	مجمع البحرين (۹۷۹-۱۰۸۵ ق.)
ضعف قلب حالتی است نسبت به امر مخوف به اعتبار قلت احتمال امر مخوف، یعنی ضعیف القلب آن است که توانایی و صبر بر امر مخوف کم داشته باشد و امر مخوف او را زود متغیر سازد، بلکه امر مخوف ضعیفی در او تأثیر نماید و امر مخوف مؤدی بدنی است. ضعف قلب مؤدی به هرب و گریختن از مؤدی می‌گردد (صص ۳۰۹-۳۰۷).	داروهای قلبی (۱۱۳۵ ق.)

واژه‌های معادل اضطراب در متون طب سنتی ایران

جدول ۶: مفاهیم مرتبط با «وسواس»

فزع در قلب باقی می‌ماند تا این که وسواس در فرد ایجاد می‌شود و به آن ضعف و فزع هم گفته می‌شود. وسوسه حدیث نفس است (ج ۱، ص ۱۱۹).	کتاب العین (۱۷۵-۱۰۰ ق.)
عرض قوی نفسانی است که در صدر انسان سبب ثوران خاطرات بد شده و تداعی کننده حدیث نفس است. وسواس حدیث نفسی است که خواطر بد را برمی‌انگیزاند و زندگی را مکدر و ناخوشایند می‌گرداند (ص ۲۵۱).	مصالح الابدان و الأنفس (۲۳۵-۳۲۲ ق.)

<p>آنچه وسواس را از سایر أعراض نفسانی متمایز می‌سازد این است که اولاً وسواس از حیث تأثیر، ایذاء و ملازمت دارای شدتی بیش از سایر أعراض نفسانی است؛ ثانیاً وسواس آن طور که شأن سایر أعراض نفسانی است از سببی شناخته شده نشأت نمی‌گیرد؛ ثالثاً این که همراهی قابل توجه أعراض بدنی با أعراض نفسانی در وسواس موجب شده است که وسواس به عنوان یک عرض صرفاً نفسانی به شمار آورده نشود و نهایتاً این که برخلاف سایر أعراض نفسانی که انسان در طول حیاتش از آن‌ها مبری نمی‌باشد، می‌تواند در طول حیات یک فرد او را مبتلا نسازد (ص ۲۶۷).</p>	
<p>هر صوتی که به علت خفا و نهان‌بودنش به خوبی درک نگردد، وسوسه و وسواس نامیده می‌شود و همین طور است آنچه که در درون آدمی به طور نهانی رخ می‌دهد (ص ۱۴۱).</p>	<p>الفروق فی اللغه (۳۹۵ ق.)</p>
<p>وسوسه حدیث نفس است و موسوس به کسی می‌گویند که دارای توهم غیر حقیقی است و زیاد شک می‌کند؛ گویا توهم دارد که خودش مریض است در حالی که واقعاً سالم است (ص ۱۳۲۷).</p>	<p>کتاب الماء (۴۶۶ ق.)</p>
<p>وسوسه و وسواس معادل حدیث نفس است (ج ۶، ص ۲۵۴).</p>	<p>لسان العرب (۶۳۰-۷۱۱ ق.)</p>
<p>هر صوتی که به علت خفا و نهان‌بودنش به خوبی درک نگردد، وسوسه و وسواس نامیده می‌شود و همین طور است آنچه که در درون آدمی به طور نهانی رخ می‌دهد (ص ۵۱).</p>	<p>الفروق فی اللغویة (۱۳۶۳ ش.)</p>
<p>آنچه که از عمل خیر در نفس واقع می‌شود، الهام و آنچه که از عمل شر در نفس واقع می‌شود، وسواس نام دارد (ص ۱۸).</p>	<p>فرائد اللغة فی الفروق (۱۹۹۹ م.)</p>

فهرست منابع

1. Sadock BJ, Kaplan HI, Sadock VA. *Kaplan & Sadock's synopsis of psychiatry: behavioral sciences/clinical psychiatry*. Translated by Farzin Rezaei. Vol 3, Tehran: Arjmand. 2007; 149-217.
2. Baxter AJ, Scott KM, Vos T, Whiteford HA. Global prevalence of anxiety disorders: a systematic review and meta-regression. *Psychol Med*. 2013; 43(5): 897-910.
3. Merikangas KR, Zhang H, Avenevoli S, Acharyya S, Neunenschwander M, Angst J. Longitudinal trajectories of depression and anxiety in a prospective community study. *Arch Gen Psychiatry*. 2003; 60(10): 993-1000.
4. Motavasselian M, Saghebi SA, Nademi MR, Tavakkoli kakhki M. Depression and Dyspepsia: An Implication of Islamic Resources. *J Relig Health*. 2015; Epub ahead of print.
5. Tavakkoli Kakhki M, Eslami S, Motavasselian M. Nutrient-rich versus nutrient-poor foods for depressed patients based on Iranian Traditional Medicine resources. *Avicenna J of Phytomed*. 2015; 5(4): 298-308.
6. Tavakkoli Kakhki M, Motavasselian M, Mosaddegh M, Esfahani MM, Kamalinejad M, Nematy M, Eslami S. Omega-3 and omega-6 content of medicinal foods for depressed patients: implications from the Iranian Traditional Medicine. *Avicenna J of Phytomed*. 2014a; 4(4): 225-230.
7. Tavakkoli Kakhki M, Motavasselian M, Mosaddegh M, Esfahani MM, Kamalinejad M, Nematy M. Food-Based Strategies for Depression Management From Iranian Traditional Medicine Resources. *Iran Red Crescent Med J*. 2014b; 16(2): e14151.
۸. الفراهیدی، الخلیل بن أحمد. کتاب العین. تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرئی. هشت جلد، قم: مؤسسه دار الهجرة (۱۴۰۹ ق.)، جلد اول، ص ۱۱۹؛ جلد دوم، ص ۱۳۰؛ جلد چهارم، ص ۲۸۴، ۳۱۲؛ جلد پنجم، ص ۲۶.
۹. ابن سکیت، یعقوب بن اسحاق. تهذیب الألفاظ. بیروت: مکتبه ناشرون، (۲۰۰۵ م.)، ص ۱۷۶.
۱۰. العسکری، أبی هلال. الفروق اللغویة. قم: منشورات مکتبه البصیرتی، (۱۳۵۳ ش.)، ص ۱۴۱، ۲۰۱-۲۲۱، ۱۹۹.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. الذریعة إلى مکارم الشریعة. چاپ دوم، قم: منشورات الرضی، (۱۳۹۳ ق.)، ص ۱۷۰.

۱۲. ثعالبی، عبدالملک بن محمد. *فقه اللغة و سر العربیة*. دو جلدی، قاهره: مکتبه الخانجی، (۱۴۱۸ ق.).
۱۳. ابن منظور، محمد بن مکرم. *لسان العرب*. تصحیح امین محمد عبدالوهاب و محمدصادق عبیدی. پانزده جلدی، بیروت: دار صادر، (۱۳۷۴ ق.)، جلد ششم، ص ۲۵۴؛ جلد هشتم، ص ۲۵۱؛ جلد نهم، ص ۹۹؛ جلد دهم، ص ۳۲۳؛ جلد سیزدهم، ص ۸۴.
۱۴. طریحی، فخرالدین بن محمد. *مجمع البحرین*. شش جلدی، تهران: مرتضوی، (۱۳۷۵ ش.)، جلد پنجم، صص ۵۷، ۲۳۱؛ جلد ششم، صص ۱۸۹-۱۸۸.
۱۵. الحسینی الموسوی الجزایری، نورالدین بن نعمه الله. *فروق اللغات فی التمییز بین مفاد الکلمات*. چاپ دوم، دمشق: مکتب نشر الثقافة الإسلامية، (۱۴۰۸ ق.)، صص ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۸۳.
۱۶. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد. *تاج العروس من جواهر القاموس*. سی و پنج جلدی، جلد هفدهم، بیروت: دار الفکر، (۱۴۱۴ ق.).
۱۷. عسکری، ابوهلال. *الفروق فی اللغة*. ترجمه، تعلیق و تصحیح محمد علوی مقدم و ابراهیم الدسوقی شتا. مشهد مقدس: انتشارات امور فرهنگی آستان قدس رضوی، (۱۳۶۳ ش.)، صص ۵۱، ۱۴۱، ۱۳۶.
۱۸. لامنس الیسوعی، هنریکوس. *فرائد اللغة فی الفروق*. قاهره: مکتبه الثقافة الدینیة، (۱۹۹۹ م.)، صص ۱۸، ۸۴، ۲۳۵.
۱۹. طبری، علی بن سهل. *فردوس الحکمة فی الطب*. بیروت: دار الکتب العلمیة، (۱۴۲۳ ق.)، صص ۴۸، ۶۷-۶۸.
۲۰. ابوزید بلخی، احمد بن سهل. *مصالح الأبدان و الأنفس*. قاهره: معهد المخطوطات العربیة، (۱۴۲۶ ق.)، صص ۲۵۱-۲۵۰، ۲۵۹.
۲۱. اهوازی، علی ابن عباس. *کامل الصناعه الطبیة*. نسخه تصویرری کتابخانه آستان قدس رضوی، صص ۵۸، ۹۰، ۱۱۴، ۱۲۹۹.
۲۲. اخوینی بخاری، ربیع بن احمد. *هدایة المتعلمین فی الطب*. چاپ دوم، مشهد مقدس: انتشارات دانشگاه فردوسی، (۱۳۷۱ ش.)، صص ۱۲۰-۱۱۷، ۲۴۶.
۲۳. طبری، احمد بن محمد. *المعالجات البقراتیة*. نسخه خطی کتابخانه ملی ملک (نسخه معهد تاریخ العلوم العربیة و الاسلامیة فؤاد سزگین). تهران، شماره ثبت ۴۴۷۴، صص ۴۴-۴۵.
۲۴. اصفهانی، ابن مندویة. *الکافی فی الطب (کفایة)*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران، (۱۳۸۶ ش.)، صص ۷۷، ۷۹.

۲۵. ابن سینا، حسین بن عبدالله. *القانون فی الطب*. تحقیق ابراهیم شمس‌الدین. چهار جلدی، جلد اول، بیروت: نشر مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، (۱۴۲۵ ق.)، صص ۱۱۳، ۱۲۶، ۱۴۵، ۱۶۹.
۲۶. ابن سینا، حسین بن عبدالله. *تفریح القلوب*. ترجمه فارسی رساله ادویه قلبیه ابن سینا. ترجمه خان احمد. تصحیح ظل الرحمن. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی ایران، (۱۳۸۳ ش.)، صص ۲۳۸-۲۳۷، ۲۷۰.
۲۷. کشگری، یعقوب. *کناش فی الطب*. چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی ایران، (۱۳۸۶ ش.)، ص ۲۸۹.
۲۸. زهراوی، خلف بن عباس. *التصریف لمن عجز عن التألیف*. چاپ اول، کویت: مؤسسه الکویت للتقدم العلمی، إدارة الثقافة العلمیة، (۲۰۰۴ م.).
۲۹. مسیحی، ابوسهل. *المأة فی الطب (یکصد گفتار ابوسهل مسیحی)*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی ایران، (۱۳۹۰ ش.).
۳۰. ازدی، عبدالله بن محمد. *کتاب الماء*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی ایران، (۱۳۸۷ ش.)، صص ۲۳۴، ۴۳۳، ۹۶۶، ۱۲۹۹، ۱۳۲۷.
۳۱. جرجانی، سیداسماعیل. *ذخیره خوارزمشاهی*. نسخه سعیدی سیرجانی. تهران: انتشارات فرهنگ ایران، (۱۳۵۵ ش.)، ص ۲۴۰.
۳۲. القرشی، علی بن أبی الحزم. *الموجز فی الطب*. القاهرة: لجنة الإحيای التراث الإسلامی، (۱۹۸۶ م.)، ص ۴۴.
۳۳. ایلاقی. شرح بر قانون. نسخه خطی مجلس شورای اسلامی، شماره ثبت ۲۳۸۷۵، صص ۷۶-۷۵.
۳۴. محمود بن محمد، الاملی. شرح قانون. نسخه خطی مجلس شورای اسلامی، شماره ثبت ۲۳۸۶۷، صص ۳۳۶-۳۳۷.
۳۵. سمرقندی، نجیب‌الدین. شرح الأسباب و العلامات. شرح نفیس بن عوض کرمانی. جلد اول، قم: جلال‌الدین، (۱۳۸۷ ش.)، ص ۱۱۵.
۳۶. هروی، محمد بن یوسف. *بحر الجواهر (معجم الطب الطبیعی)*. چاپ اول، قم: جلال‌الدین، (۱۳۸۷ ش.)، صص ۱۱۱، ۳۱۲.

۳۷. هروی، محمد بن یوسف. *عین الحیوة*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی ایران، (۱۳۸۶ ش)، ص ۱۰۴.
۳۸. قوصونی، مدین بن عبدالرحمان. *قاموس الأطباء و ناموس الألباء*. جلد دوم، چاپ اول، دمشق: مجمع اللغة العربية، (۱۴۲۱ ق)، صص ۱۳۳-۱۳۲.
۳۹. چغمینی، محمود بن محمد. *مفرح القلوب (شرح قانونچه)*. شرح میرمحمد اکبر بن محمد شاه ارزانی. لاهور: مطبعة اسلامیة، (۱۳۱۵ ق)، ص ۱۷۵.
۴۰. موسوی، محمدباقر. *داروهای قلبی*. تصحیح و تحقیق سیدحسین رضوی برقی. تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، (۱۳۸۳ ش)، صص ۲۹۷-۲۹۶، ۳۰۹-۳۰۷.
۴۱. شاه ارزانی، میرمحمد اکبر بن محمد. *فصول الأعراض (شرح کتاب حدود الأمراض حکیم ارزانی)*. شرح سید ابوالقاسم قدرت‌الله قادری. چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی ایران، (۱۳۸۷ ش).
۴۲. نجاتی، محمد. *علم النفس: روانشناسی از دیدگاه دانشمندان مسلمان*. ترجمه سعید بهشتی. تهران: رشد، (۱۳۹۱ ش)، صص ۲۱-۱۹.

یادداشت شناسه مؤلفان

- ملیحه متوسلیان: استادیار دانشکده طب سنتی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
- فرزانه غفاری: دانشیار دانشکده طب سنتی و مدیرگروه تاریخ پزشکی مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.
- ماندانا توکلی کاخکی: استادیار دانشکده طب سنتی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسؤول)

نشانی الکترونیکی: mk_tavakkoli@yahoo.com

The Synonyms of Anxiety in Traditional Iranian Medicine Resources

Maliheh Motavasselian

Farzaneh Ghaffari

Mandana Tavakkoli Kakhki

Abstract

Introduction: Anxiety is a common psychiatric disorder in the community. The concept of anxiety understood from different words in Traditional Persian Resources. Explaining the concept of anxiety synonym's is essential for accurate diagnosis and treatment these disorders.

Method: In this qualitative review, the content of six synonyms of anxiety including "Jobn", "Khouf", "Fazaa", "Ghalagh", "Vasvas" and "Hamm" has been analyzed by using of texts and dictionaries Iranian traditional medicine, dictionaries references in era of Islamic civilization and recent books.

Results: In this part concepts and definitions of each keyword was arranged (In compliance with the temporal succession of resources) in a separate table.

Discussion & Conclusion: The results elucidates "Hamm" is thought and effort to dispel something unpleasant and to get on something pleasant. "Khouf" is fear of an unpleasant issue that is likely to occur in the future. "Fazaa" is severe fear that person is not able to repel the risk factor and is impatient and restless. "Ghalagh" is severe than "Fazaa" and person is severely restless. "Jobn" is an inherent mental state which person fear from things that others don't fear them. Eventually "Vasvas" is bad thoughts. In conclusion, the words from medical resources express physiological state and from dictionaries express psychological state.

Keywords:

Anxiety, Hamm, Khouf, Synonym, Iranian Traditional Medicine